

چرا باید شاهنامه خواند

نویسنده
سیامک شیرازی



شیرازی

سرشناسه	: شیرمردی، سیامک، ۱۳۴۰ -
عنوان قراردادی	: شاهنامه برگزیده . شرح
عنوان و نام پدیدآور	: چرا باید شاهنامه خواند/ سیامک شیرمردی.
مشخصات نشر	: تهران : دنیای نو، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۶ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۱۷۲-۱۶۲-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
با داشت	: کتابنامه.
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر
موضوع	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Criticism and interpretation
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۴ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 10th century -- History and criticism
شناسه افزوده	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه . برگزیده . شرح
رده بندی کنگر	: ۴۴۹۵Pl
رده بندی دیویی	: ۱/۳۰۱۱۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۶۸



نشرین

چرا باید شاهنامه خواند

نویسنده: سیامک شیرمردی

ناظر چاپ: سحر اسماعیلی

تنظیم صفحات: خرمشاهی، لیتوگرافی: فرانقش، چاپ: رهنما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۷۲-۱۶۲-۸ ISBN: 978-964-172-162-8

نشر دنیای نو: تهران، انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۳۰۰

تلفن: ۶۶۴۰۲۵۷۱، دورنگار: ۶۶۴۹۱۹۰۸، صندوق پستی: ۱۳۱۴۵/۱۶۹



@yasharbook

Email: donyayenopub@gmail.com

فهرست مطالب

۱۱.....	پیشگفتار.....
۱۹.....	مقدمه.....
۲۹.....	دلایل سرودن شاهنامه.....
۴۳.....	نیاز امروز به شاهنامه.....
۴۹.....	حکمت و خرد در شاهنامه.....
۵۹.....	ماندگاری شاهنامه.....
۶۹.....	رازوری اساطیر.....
۷۵.....	فرهنگ چیست؟.....
۷۹.....	شکندگی سنت‌ها و آیین‌ها.....
۸۳.....	تکامل و زندگی اجتماعی با آغاز حکومت کیومرث.....
۸۹.....	نخستین قانون گذاری برای زندگی اجتماعی با آغاز حکومت هوشنگ.....
۹۵.....	رفاه اجتماعی و پادشاهی طهمورث.....
۹۷.....	تقسیم وظایف و تشکیل صنف‌های گوناگون توسط جمشید.....
۱۰۳.....	زن در شاهنامه.....
۱۲۷.....	ضحاک.....
۱۵۱.....	پهلوانی.....
	شهریاری، عدالت و دادگستری و ارائه خدمات توسط شاهان و
۱۶۷.....	حاکمان به مردم.....
۱۸۵.....	انتقاد از نحوه عملکرد شاهان و حاکمان.....

سیاوش ۱۹۳

داستان سیاوش ۲۰۹

www.ketab.ir

پیشگفتار

طی ۳۰۰ سالگی که شعل علم و صنعت عصر جدید در جهان روشن شده، رشد علمی و صنعتی جوامع در مقایسه با قبل چندین برابر شده و چرخ اقتصاد کشورها با سرعتی بی‌نکردنی به حرکت درآمده است. بطوری که بسیاری از جوامع نتوانستند با سرعت صنعتی شدن همگام سازند. این عدم هماهنگی و همگامی موجب بدیدار شدن جهان‌های اول و دوم و سوم گردید. در حقیقت می‌توان گفت که پیشرفت فرهنگ، روش‌های اجتماعی، نگهداشت آداب و سنن و آموزه‌های تاریخی این جوامع با پیشرفت‌های علمی و صنعتی هماهنگ نبوده‌اند که موجب دشواری‌ها و دوگانگی‌هایی برای مردم آن جوامع شده است. در این راستا اگر در زمینه‌ی نگهداشت داشته‌های فرهنگی و تاریخی خود در برابر سرعت هجوم سرسام‌آور علم و صنعت، نتوانیم برنامه‌ریزی صحیح و اصولی انجام دهیم، در برابر این سرعت دچار عدم انطباق شده و نخواهیم توانست خود را با پیشرفت‌های علمی و صنعتی همگام و هم سطح سازیم.

بشر امروز به یمن و برکت انرژی اتمی و ابر کامپیوترها و سلاح‌های بیولوژیکی، خود را دارای قدرتی مافوق طبیعی می‌بینند که با یک اشاره می‌تواند هم آفریننده و هم نابود کننده باشد، و بخاطر داشتن همین قدرت و استفاده از این پیشرفت‌های صنعتی در اکثر جوامع، منش انسانی، عشق و عاطفه کمرنگ و جای خود را به محصول بیشتر، دارایی بیشتر، جایگاه بالاتر، زندگی مرفه‌تر، مقام برتر و ... داده است. این زیاده

خواهی موجب فاصله گرفتن جوامع از عدالت، دوستی، صفا، صمیمیت و ارتباطات انسانی از یکدیگر شده است.

پیشرفت‌های صنعتی در کنار آسایش و رفاه ظاهری که برای بشر بوجود آورده، تأثیرات منفی فراوانی نیز در زندگی فردی و جمعی، تیره‌سازی روابط اجتماعی و ارتباط‌های انسانی گذاشته است. اما هرچقدر جامعه‌ای دارای فرهنگی معتبر و قوی باشد، از بعد منفی پیشرفت‌های صنعتی آسیب کمتری خواهد دید. در حقیقت، بقای آن جامعه مدیون پشتوانه‌های آداب و سنن و فرهنگ غیر قابل نفوذ و در عین حال سیال و پدیدار اخلاقیات می‌باشد.

مهرداد بهار، تقدیمات که :

«بیت اثر حماسی، کارکردهای خاصی دارد. در همه جای دنیا، در گذر زمان، انتقال فرهنگ از جمله تعلیم و تربیت و الگوهای اخلاقی، بنا به طریقی غیر مستقیم و به یاری این گونه آثار از نسلی به نسل انجام می‌یافته است. و قصه‌ها، حماسه‌ها و اساطیر همه بخش اجتماعی، اخلاقی و تربیتی بر عهده داشته اند.

(جستاری در فرهنگ ایران / مهرداد بهار، اساطیر / ۱۳۸۵ / ص ۱۸۷)

بنیاد ملیت هر ملت فرهنگ آن است و بخش بزرگی از این فرهنگ در حقیقت کتاب‌هایی است که در طی گذشت قرون به نسل امروز رسیده است. هویت برای هر جامعه همانند حافظه برای انسان است و اگر انسانی حافظه اش را از دست داده باشد چندان عمر نمی‌کند و از بین می‌رود و حتی ممکن است قبل از نابودی دست به اقدامات خطرناکی بزند و برای دیگران ایجاد خطر نماید. همین‌طور جامعه‌ای که هویت و فرهنگ خویش را از دست بدهد و مردم فرهنگ و هویت خویش را فراموش کنند، آن جامعه به سرانجام انحطاط افتاده و نابود می‌شود.

بنا به عقیده‌ی دورکیم^۱ و نظریه‌های پیروان وی هر جامعه‌ای دارای یک روح است و فرهنگ آن جامعه همان روح جاری در آن است و آن جامعه تا زمانی باقی می‌ماند که فرهنگش باقی باشد، اگر فرهنگ ملتی دچار گسیختگی و فراموشی شود آن ملت نیست و نابود خواهد شد. و بر همین اساس می‌گویند: اگر می‌خواهید ملتی را از بین ببرید ابتدا فرهنگ آن را از بین ببرید. وقتی فرهنگ از ملتی گرفته شود همانند این است که روح آن ملت را گرفته باشند و جامعه‌ی بدون روح همانند لاشه‌ای خواهد شد که کاری از او ساخته نیست و نابود می‌شود.

زنده ماندن آداب، سنن، رسوم، و ... در کشور عزیزمان ایران در دوران حوادث مملکتی که در تاریخ این سرزمین کهن اتفاق افتاده، مرهون اهمیت کتاب‌هایی است که در طی گذشت قرون متمادی توسط بزرگانی چون رودکی، فردوسی، ملانا، ناصرخسرو، عطار، خیام، حافظ و ... نوشته شده و به مرور رسید، است، آلفونس دوده فرانسوی می‌گوید:

وقتی ملتی مقهور می‌شود تا هنگامی که زبان خویش را خوب حفظ کند گویی کلید زندانش را در دست دارد.

(Alphonse Daudet " 897_1849)

در حقیقت یکی از علل ماندگاری فرهنگ و تاریخ باستان این سرزمین همان زنده نگهداشتن زبان فارسی و استفاده از آن در کتاب‌ها و گزارشات است که فردوسی آنرا به عرش اعلی رساند. برای پویایی و زنده نگهداشتن زبان و فرهنگ ایرانی و همچنین جلوگیری از عدم و نابودی آن بهترین راهکار این است که دانش‌آموزان

۱. داوید امیل دورکهایم (David Émile Durkheim) زاده ۱۵ آوریل ۱۸۵۸ - درگذشته ۱۵

را به هر نحو ممکن در مدارس و دانشگاه‌ها با این کتاب‌ها و گزارشات و اندیشه‌های بزرگان آشنا نموده و از آنان خواسته شود، در مورد هر کدام از آنها پژوهش‌هایی انجام داده تا با نشر آن، فرزندانمان به ایرانی بودن خود بالیده و بدانند که این ملت در طی گذشت قرون چه شکوفایی را پشت سر گذاشته و چگونه توانسته بوسیله همین اندیشه‌ها و بزرگان، در برابر طوفان حوادث و اتفاقات مهم تاریخی مقاومت نموده، فرهنگی ماندگار و جهانی از خود به یادگار بگذارند.

باخصای مهم یک فرهنگ زنده و پیشرو، آشنایی توده‌ی مردم با بزرگان علم، ادب و درک صحیح از فرهنگ خود و همچنین همراهی و سازش با دیگر فرهنگ‌هاست، جای بسی تاسف است که امروزه اکثریت جوانان سیرة قلم‌اننجوی، بزرگان این سرزمین را نمی‌شناسند و حتی چندان اطلاعی از گذشته و تاریخ خود ندارند، دانشجوی پزشکی کمترین اطلاعی از پزشکان نامدار و تاثیر گذار قرون گذشته نداشته و از آن فاجعه بارتر اینکه، اکثریت دانشجویان رشته ادبیات هیچ گاه آثار کلاسیک ادبی کشور خود را حتی بطور خلاصه مطالعه نکرده و امروز آنطوریکه در شبکه‌های گسترده اجتماع و شبکه‌های اجتماعی حتی املای درست لغات فارسی را هم نمی‌نویسند.

یکی از مصیبت‌هایی که امروزه زبان فارسی در سبک نوشتاری به آن دچار گردیده عدم استفاده از دامنه گسترده لغات و کلمات است که در زبان ما وجود دارد، امروز دانش‌آموزان و دانشجویان ما به جای مطالعه و استفاده از دامنه گسترده کلمات فارسی به تعداد معدودی از کلمات بسنده کرده و از همان تعداد کلمات در نوشته‌های خود استفاده می‌کنند و این سبک نوشتاری را می‌توان در کلیه روزنامه‌ها و مجلات و کتاب‌ها و نویسندگان امروزی دید، در یک متن نوشتاری یک کلمه را به جای چندین کلمه دیگر بکار می‌برند، مثلاً در یک متن چند خطی چندین بار کلمه "بخاطر" آورده می‌شود که یکجا "برای"، و جایی دیگر "به

علت " در جمله‌ای " دلیل " جایی " بسبب " و در جمله بعد " بمناسبت " معنی می‌دهد. و این فقر استفاده از کلمات موجب شده تا شاهد غلط نویسی و بیسوادی نوشتاری در بین اکثریت جوانان باشیم.

امروزه تعداد مدارس در قالب‌های گوناگون دولتی، غیردولتی، انتفاعی، غیرانتفاعی و... بسیار زیاد و نسبت به ۵۰ سال گذشته می‌توان گفت چندین برابر شده‌اند، که متأسفانه با وجود این تعداد مدارس و آموزشگاه‌های متنوع، بازهم فرزندان ما آنچنان که باید، ایران شناس و آگاه به گذشته تاریخی خود نبوده و در نهایت این عدم آگاهی به دانشگاه‌های ما هم کشیده شده بطوریکه دانشجوی هر رشته‌ای فقط در راستای همان رشته خود تعدادی غرور و یا با خوشبینی تعدادی محدود کتاب که استاد معرفی کرده جهت امتداد مدرک، مطالعه و پس از فارغ التحصیلی، بطور کامل به فراموشی می‌سپارد، حتماً اگر در مورد رشته تحصیلی خودشان با آنها وارد بحث شویم در بسیاری از موارد لنگ می‌زنند و تا حد دانش‌آموزان ابتدایی، خام و ناآگاه جلوه می‌کنند و هرچه جلوتر برویم، کمتر کسی را می‌توان یافت که این سرزمین و تاریخ گذشته آنرا به درستی بشناسد که بسیاری از بی‌خبری‌ها و نداشتن آگاهی از تاریخ و فرهنگ گذشته، ریشه در مراحل تحصیلات مقدماتی و ابتدایی دارد.

اگر از هر کدام از دست‌اندرکاران سیستم آموزشی کشور پرسیده شود که برای گسترش فرهنگ کتاب خوانی و مطالعه در بین دانش‌آموزان چه کارهایی انجام داده‌اند بلافاصله خواهند گفت: در تمامی مدارس مهرها و روستاهای کشور کتابخانه تاسیس کرده ایم و این خبری امیدوارکننده می‌تواند باشد ولی از خود می‌پرسیم کجای کار لنگ است که اینگونه تیراژ چاپ کتاب از ۵۰۰۰ جلد و چندین دوره چاپ مجدد به ۳۰۰ جلد رسیده است.

اگر سری به مدارس کشور و کتابخانه‌های آن بزنیم مشخص می‌شود اطاق‌هایی که برای کتابخانه در نظر گرفته شده همیشه قفل بوده و اگر

هم از خوش اقبالی در کتابخانه‌ای هم باز باشد با کتاب‌های قدیمی و غبار گرفته‌ای روبرو خواهیم شد که میل و رغبت مطالعه را از خواننده می‌گیرند. در حقیقت باید گفت نتوانسته ایم انگیزه‌ی تهیه کتاب و خواندن آنرا در فرزندانمان بوجود بیاوریم. این در حالی است که هرگاه بخواهیم گزارش کار و فعالیت بدهیم با کشیدن نمودار و داده‌های آماری می‌گوییم در فلان تعداد مدرسه در شهر و روستا کتابخانه و فلان جلد کتاب داریم، و تا زمانی که اینگونه دلخوش به آمارهای غیرواقعی و خواریم ادامه دهیم نمی‌توانیم آمار مطالعه و نشر کتاب را به سطح قابل قبول برسانیم.

جوانان ایران می‌توانند که برای رشد در جامعه و هم‌آهنگی با دنیای نو، باید از هر چه داریم بکلیم و تکیه به آداب و سنن گذشته مانع رشد فرهنگی و تکنولوژیک ما خواهند شد. در حالی که این اندیشه درست نبوده و نیست، ژاپن، چین، کره... نمونه بارز این مهم هستند که با تکیه بر فرهنگ و تاریخ گذشته خود به استقبال تکنولوژی و پیشرفت‌های علمی و صنعتی رفته و دنیای امروز را آید. خود را به بهترین روش ممکن ساخته‌اند. اگر فرزندانمان را طوری آموزش دهیم که مملکت خود را آگاهانه دوست داشته باشند و به فرهنگ خود غرور بورزند، هیچ انگیزه‌ای نخواهد توانست این پیوند و علاقه را از آنان بگسلد.

در اینجا خودشیفتگی و عصبیت‌های قومی و ملی برای محض و ماندن در گذشته، منظور نبوده، بلکه شناخت همراه دانایی و آگاهی کامل مد نظر بوده و لازم است تا جوانان این مرز و بوم هم تاریکی‌های تاریخ خود را شناخته و هم دوران شکفتگی و اعتلاء آنرا، و بر آنان است تا خدمتگزاران و افتخار آفرینان و همچنین کسانی که مایه ننگ تاریخ کشور بوده‌اند را بشناسند.

بسیاری از امپراطوری‌های بزرگ به دلیل جنگ، برخی هم بر اثر بی‌عدالتی، دروغ و تن‌آسایی از بین رفتند و دیگر نامی از آنان جز در

کتاب‌های تاریخی وجود ندارد، اما آنچه که امروز باید از آن هراس داشت، نابودی جوامع زیر بار چرخ سنگین صنعت خود ساخته است. بهترین راهکار برای فرار از این مصیبت، دوری جستن بزرگان و فرمان‌روایان از آزمندی و زیاده‌خواهی است. بقول فردوسی:

از آز و فزونی برنجی همی روان را چرا بر شکنجی همی
(شکنجیان: در رنج گذاشتن)

و باید در جایی دیگر که به صراحت می‌گوید:

ایا دانشی رد بسیار هوش همه چادر آزمندی مپوش
که تخت کله خون تو بسیار دید چنین داستان چند خواهی شنید
(پادشاهی نوذر)

در قرون آینده و سده‌های پیش رو نباید به جنگ اتمی به عنوان فنای مطلق نگاه کرده و از آن هراس داشت، باید از بی‌معنی شدن زندگی در جوامع هراس داشت.

حال که علم و تکنولوژی در حال پیشرفت و توسعه در تمامی زمینه‌ها است می‌توان اثرات زیانبار اینگونه تکنولوژی را با غنی‌سازی و گسترش بار فرهنگی و فکری جامعه از بین برد و از آن را سودمند و وسیله‌ای برای پیشرفت و پیشبرد اهداف جامعه درآورد. هدف این نوشتار همانطور که اشاره شد بازگشت به گذشته اساطیری و افسانه‌ای نبوده و نیست، بلکه هدف این است که با آفرینندگی‌های جدیدی و فرهنگی، همگام با سنت‌های جامعه از فرصت‌های پیش آمده نهایت بهره را برد.

احسان نراقی در مقاله‌ی "در برابر فرهنگ غرب" می‌گوید:

ما امروزه تکنیک را تا حدودی فرا گرفته ایم و از آن بهره‌ها
جسته ایم. مثلا شبکه‌های برق را گسترش داده ایم و هواپیمای
جت بکار می‌بریم و مخصوصا خیلی از بیماری‌ها را از بین برده

ایم و بدین ترتیب به خیلی از عقده‌های خود پایان داده ایم. اما من این تکنیک را به مثابه سکویی می‌دانم که بسته به روشی که در پیش بگیریم دو نتیجه‌ی متفاوت برای ما به بار خواهد آورد. اگر از این سکو به علوم و منشاء علوم و فلسفه توجه کنیم خواهیم توانست و می‌توانیم جهشی موفقیت آمیز داشته باشیم و در غیر این صورت سقوط ما حتمی است، زیرا در آن صورت آنچه زیر پای ماست از ما نیست، چیزی بیگانه است و وصله‌ی نا-دوری است بر قامت فرهنگی گذشته و کهنه‌ی ما. امیدواریم بتوانیم خودآگاهی و روشن دلی لازم را برای این جهش مؤثرانه آمیز پیدا کنیم.

راهنمای کتاب سال ۱۵ شماره‌های ۶-۵ مرداد و شهریور ۱۳۵۶ مقاله در برابر فرهنگ غرب ... احسان نراقی (

بی‌خبری از تاریخ گذشته، دنیای امروز برای جوانان نقیصه‌ای خواهد شد که وطن دوستی از سر شناخت و معرفت را فراموش کرده و هر از گاهی از روی عصبیت‌های قومی و نژادی وبا احساساتی کنترل نشده واکنش‌هایی منفی از خود بروز دهد.